

# شکل دهی به شخصیت کودکان

## PERSONALITY SHAPING YOUR CHILD

مترجم: مریم فاضل مسانلی

هر پدر و مادری خواهان داشتن فرزندی با استعدادهاي درخشان، مستقل و درعین حال انعطاف پذیر است و از اینکه نحوه تربیت آنان نتواند در شکل دهی مؤثر و مفید به شخصیت این فرزندان اثرگذار باشد، ابراز نگرانی می کند. برخی از روانپزشکان معتقدند که اگرچه ویژگیهای زیستی افراد نقش بسزایی در شکل دهی شخصیت آنان ایفا می کنند، لیکن بسیاری از والدین قادرند طبیعت فرد را تربیت نمایند. مباحث زیر چکیده ای از راهکارهای آنان هستند :

### درک و تشخیص نوع شخصیت:

همچنان که گفته شد بعضی از متخصصین امور روانی نکته اصلی در پرورش کودکان را درک نوع شخصیت آنان می دانند و از آنجایی که به وجود ۵ نوع مشخص از شخصیت معتقد می باشند، لذا براین باور ندکه والدین قادرند از همان ابتدا نوع شخصیت فرزندان خود را تشخیص دهند و از این شناخت بعنوان وسیله ای در راستای کمک به آنان استفاده نموده، این کودکان را بعنوان افرادی خلاق و یا بعبارتی به نمونه ای سالم در نوع شخصیتی خود مبدل سازند. نوزادان با گرایشهای فیزیکی مختلفی که پایه در اصول بیولوژیکی ( زیستی )، ژنتیکی و محیطی آنان دارند و در طی مراحل تحولی پیش از تولد، بدنبال رشد سیستم عصبیشان، شکل می گیرند، دنیا می آیند. در نتیجه مراقبین آنان قادرند مشخص کنند که آیا نوع شخصیتی این نوزادان از انواع مشکلساز است و یا ممکن است بعنوان افراد مفیدی تلقی گردند. گرین اسپن در این زمینه چنین توضیح می دهد که در سالهای اولیه حیات، سیستم اعصاب هنوز از انعطاف پذیری بالایی برخوردار است و بدین ترتیب حقیقتاً می توان نحوه عمل آن را تغییر داد. وی در ادامه اظهار می دارد که: نکته مهم آن است که مامی خواهیم چگونه طبیعت نوزادمان را تربیت کنیم و یا چگونه می خواهیم به کودکمان کمک کنیم تا از فردی ترسو و مضطرب به انسانی با اعتماد بنفس و شهامت تبدیل شود. در برخی موارد، شخصیت کودک از همان هشت ماه اول زندگیش قابل تشخیص است و با گذر زمان، هنگامی که به یک نوزاد نو پا یا کودکی در سن پیش دبستانی تبدیل می گردد، کاملاً معلوم است که وی کودکی خجالتی بوده در برخورد با مسائل مختلف گوشه‌ای خود را می گیرد، فرار می کند و به هر چیزی ضربه می زند و یا ممکن است فردی لجوج، اهل مجادله، در خود فرو رفته، بسیار گیج ( حتی با مشکل در تعیین جهت ) و یا مستقل باشد.

## انواع شخصیت

### الف ( حسّاس :

این نوزادان، کودکان و یا حتی بزرگسالان بسیار حسّاس هستند و فطرتاً گرایش زیادی به ترسو یا مضطرب بودن دارند. سابقاً تصوّر می شد که این افراد مصداق کاملی از انسانهای ترسو، محتاط و خجالتی هستند، اما امروزه به این نتیجه که به این شکل نیست، چراکه این کودکان نسبت به محرکهای اساسی مانند تماسهای بدنی ( لمس ) و صداها، حسّاس می باشند و بعنوان نمونه صدای گریه برای آنها به مثابه صدای غرّش شیر جلوه می کند. بنابراین وقتی این کودکان در کلاسهای پررهایوی پیش دبستانی قرار می گیرند، بسیار ترسو بنظر می رسند و این در حالی است که در خانه از رفتار خوبی برخوردارند. به بیانی دیگر ظرفیت آنان محدود است و در نتیجه مهم آنست که مراقبین کودکان دارای شخصیتی حسّاس، لازم است بگونه ای آرامش بخش رفتار کرده برای آموزش رفتارهای مطلوب به آنها ، گام به گام پیش روند. اگر ما به يك چنین کودکی، از طریق ایجاد محیط پرورشی صحیح و امن کمک کنیم، پیشرفت زیادی نشان می دهد و اعتماد بنفس و شهامت لازم را کسب می نماید؛ ولی در مقابل اگر ما در برابر آنان تسلیم شویم، از آنها افرادی ترسو و مضطرب با گرایش زیاد به افسردگی ساخته ایم.

### ب ( جسور و فعّال :

این کودکان نسبت به کسب درون دادهای حسی تمایل و اشتیاق زیادی نشان میدهند و بعنوان نمونه می بینیم که با گشتن در محیط اطراف خود سعی در دستیابی به نکات جدید دارند. این افراد از نظر شخصیتی میتوانند دارای نگرشی منفی با روحیه ای ضدّ اجتماعی باشند و یا در مقابل قادرند رشد و پیشرفت نموده به افرادی با روحیه رهبریت و کوشا در ایجاد شرایط جدید و یا سیاستمداری موقّ تبدیل گردند. هنگامیکه در مورد کودک حسّاس نسبت به صداها و تماسهای بدنی صحبت می کنیم، می بینیم که آنان از حسّاسیت بالایی برخوردارند ولی با بررسی گروه دوم در می یابیم که در برابر محرکهای مذکور حسّاسیت بسیار کمتری نشان میدهند و بعنوان نمونه تمایل زیادی به صداها یا بلند داشته نسبت به درد و تنبیهات دیگران حسّاسیتی بروز نمی دهند و حتی از آن لذت هم می برند ؛ اما باید توجه کرد که این امر بدلیل نیاز به دریافت مقادیر زیادی از محرکات است نه بدلیل بی تفاوتی نسبت به تحقیر و یا داشتن روحی پست. بالاین تفاسیر ممکن است کودکان مذکور به اشتباه پرخاشگر شناخته شوند و اگر به جای درمان فقط بر آرام نمودن او پافشاری گردد، قطعاً با گذر زمان به فردی پرخاشگر تبدیل خواهند شد. دربرخورد با این گروه لازم است تعدادی دستور العمل را آماده نموده، در اختیار او قرار دهیم تا بداند انتظارات ما از او چیست و باید به این نکته توجه شود که از تنبیه و کنار کشیدن او از جمع خودداری نموده، ضروری است تا با ایجاد محیطی بالنده و مناسب به پرورش او بپردازیم.

### ج) در خود فرو رفته / کم واکنش :

این کودکان توانایی بروز احساسات خود را ندارند و مایلند در خود فرو رفته به رویا پردازی مشغول شوند؛ بعلاوه در بعضی از آنان هماهنگی کمی در اندامهای حرکتی دیده شده اصطلاحاً به تنش عضلانی کم مبتلا هستند. برای جلب توجه او لازم است با صدای کاملاً بلند صحبت کرده برای جلب توجهش فعالیتها و حرکات بدنی زیادی ضمن صحبت با او از خود نشان داد. این گروه از کودکان در گوشه ای نشسته، چنین وانمود می کنند که با خود مشغول بازی هستند و تمایل زیادی نسبت به تنها ماندن نشان می دهند، بعلاوه به بازیهای کامپیوتری که بیشتر جنبه فعالیتهای انفرادی دارند ابراز علاقه می نمایند. باتوجه به مطالب مذکور چنانچه بتوانیم آنان را از عالم درونیشان بیرون بکشیم و در برخورد با دیگران فرصت فرار به آنها ندهیم، قادر خواهیم بود افرادی بسیار خلاق، گرم، دوست داشتنی و بعبارتی پرورش یافته به اجتماع تحویل دهیم.

### د) لجوج و مخالف ( عناد ورز ) :

فردی با چنین ویژگی ، نسبت به هر چیز دیدی مخالف و منفی داشته، هر محرکی که به گیرنده های حسی او مانند لامسه، شنوایی و ... وارد می آید در ذهن او یک تصویر بزرگ و واضحی جهت بررسی و تحلیل بوجود می آورد، او بعنوان یک تحلیلگر به بررسی هر چیز در پیرامون خود می پردازد و تلاش زیادی برای کنترل محیط اطراف نموده، سعی می کند که خودش هیچگاه تحت کنترل دیگران قرار نگیرد؛ اما علیرغم تمام تلاشها، اگر نتواند بر محیط پیرامون خود تسلط لازم را پیدا کند و بعبارتی خودش نیز تحت کنترل اطرافیان قرار گیرد، احساس ترس و اضطراب بسیاری به او دست میدهد و تلاش زیادی را مصروف تغییر جهت این توجه و تسلط می نماید. برای ریشه یابی این ویژگی، باید توجه داشت که علت اصلی این کوششها صرفاً حفظ آرامش خود است و با در نظرگیری این نکته قادر خواهیم بود به او کمک کنیم تا انعطاف پذیرتر بوده با دیگران همکاری بیشتری نشان دهد و در این رابطه تنها نکته کلیدی آن است که بهیچ وجه با او برخوردی تند و خصمانه نداشته باشیم.

### ه) بی دقت :

این کودکان بسیار حواسپرت هستند بطوری که حتی در بعضی موارد راه همیشگی خود را هم گم می کنند؛ از طرفی بسیاری از آنان بعنوان فردی با اختلال کمبود توجه و تمرکز شناخته می شوند و لازم است با نظارت یک متخصص تحت درمانهای دارویی با داروهای همچون ریتالین قرار گیرند.

این گروه از کودکان در توانایی‌هایی همچون طرح ریزی و انجام فعالیت‌های متوالی و سلسله وار مانند دنبال کردن راه‌های مختلف به مدرسه و یا به خاطر آوردن محلّ قرار گرفتن اشیاء مشکل دارند و در سنین بزرگسالی هم از آن دسته افراد محسوب می‌شوند که هیچگاه نمی‌توان روی آنها بعنوان یک دستیار یا همکار خوب و دقیق حساب کرد، چراکه غالباً فراموش می‌کنند اشیاء را کجا گذاشته‌اند و یا به یاد نمی‌آورند که چه کاری می‌خواستند انجام دهند، مسیرهای رسیدن به یک هدف را به خوبی دنبال نمی‌کنند و در مشاغل مختلف هم با مسائل و مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌گردند. برای رفع مشکل این افراد، برخی از متخصصین امر توصیه می‌کنند که: ما می‌توانیم با افزایش توانایی انجام فعالیت‌های متوالی بعنوان یک فعالیت اصلی و پایه‌ای از طریق اجرای یک سری تمرین‌های ویژه و بدون مصرف دارو، به آنها کمک کنیم و در نهایت چنانچه احساس نیاز همچنان وجود داشت و شکست‌های متوالی در انجام فعالیت‌های مذکور مشاهده گردید، می‌توان در کودکان بزرگتر از دارودرمانی بعنوان انتخابی احتمالی و تحت نظارت متخصص مربوطه، استفاده نمود.

نکته حائز اهمیت آن است که وضعیت بیولوژیکی فرد، الزاماً سرنوشت وی را مقدر نمی‌کند و در این راستا تشخیص نوع کلی شخصیت کودک امری اساسی بنظر میرسد. از آنجایی که برخی از والدین خود را بعنوان الگوی تربیتی فرزندان‌شان مسئول نمی‌دانند، لذا می‌توان آموزش‌هایی طرح ریزی کرد و از آن طریق به ارائه قسمت عمده‌ای از راه حل پرداخت. بر این اساس لازم است در برنامه‌های خود نکاتی پیرامون اهمیت شناخت اولیه آنان از ابعاد هیجانی و فکری فرزندان‌شان گنجانده، به ایشان کمک کنیم تا به کسب مهارت‌های جدیدی که الزاماً همکاری والدین را میطلبد بپردازند. در راستای تحقق این برنامه، والدین نیاز به ابزاری دارند که می‌توان آن را ارائه بهترین اطلاعات موجود دانست و شامل در اختیار گذاردن اطلاعاتی پیرامون انواع شخصیت و چگونگی اعمال روش‌های تربیتی مؤثر برای هر نوع است. با در نظرگیری ویژگی‌های کودکان در میابیم که آنان شخصیتی خالص و یکدست نداشته بلکه دارای مخلوطی از انواع شخصیت‌ها هستند بعنوان نمونه ممکن است ترکیبی از کمی مبارزه طلبی به همراه اندکی حساسیت باشند. اما چنانچه بتوانیم این الگوها را درک کنیم، قادر خواهیم بود تا برخی از راه‌ها را با هم ترکیب و ملحق نماییم.

برطبق گزارش‌های ارائه شده که بیش از نیمی از والدین، متخصصین و مربیان هنوز بر این باورند که کودکان باید تابع آنان باشند عبارتی تمامی تلاش‌هایی را که در راستای تربیت آنها بکار می‌برند در جهت سازگار نمودن آنان با اصول اجتماع نیست، بلکه کودکان را بنا بر سلیقه و الگوهای شخصی خودشان پرورش داده، بر همین اصل اجتماعی می‌نمایند. در بین این افراد کسانی را با این باور کلی می‌بینیم که بعضی از کودکان خارج از این الگوها و قالب‌ها قرار می‌گیرند مانند آنکه

بطور توارثي خجالتی تر و یا برونگرتر از بقیه بنظر می رسند. بسیاری از مرئیان نیز فکر میکنند که اگر ماصرفا محیط را باشرايط كودك متناسب سازیم ، وضعیت او بهتر خواهد شد. هم اکنون نیز در بین عموم این فکر درحال شكل گيري و تكوین است که راههای تربیتی پیچیده تر را استفاده نموده انواع مختلف شخصیت را شناسایی کرده برای هر كودك روش پرورشی و نحوه ابراز محبت متفاوتی اعمال نمایند. و بهر ترتیب باید توجه داشت که تربیت همه كودكان بایك شیوة مشابه امکان پذیر نخواهد بود بلکه همانطور که علي رغم میزان علاقه يكسان ما به همه آنها، نحوه اظهار محبتمان متفاوت است، به همان صورت نیز لازم است شیوة تربیتی متناسب با نوع شخصیت هر كودك را نیز اتخاذ نماییم.

نوشته شده توسط : سمیرا اسلامیة